

## تحقق جامعه عزت‌مدار؛ تجلی نظام تربیت کریمانه

زهرة متقی،\* محمد نجفی،\*\* کمال نصرتی‌هشی\*\*\*

### چکیده

شکوه تمدن اسلامی در گرو احساس کرامت نفس و عزت فرد در جامعه است که در پرتو توانمندی‌ها، داشته‌ها و ارزش‌های اسلامی تجلی می‌یابد. رشد و تثبیت این باور، حاصل عملکرد تعلیم و تربیت در این عرصه و جایگاه آن در برنامه‌های تربیتی است.

پژوهش پیش رو با رویکرد کیفی و روش پژوهش استنتاجی (الگوی بازسازی فرانکنا) به این راهبرد تربیتی و ساختار آن در آموزه‌های دینی پرداخته است. بر این پایه، ضمن بررسی مفهوم کرامت و جایگاه و ضرورت آن در انسان‌شناسی اسلامی، نخست به تبیین پیامدهای کرامت نفس به‌عنوان یک روش

\*- دانشجوی دوره دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

Rozita2518@gmail.com

\*\* - استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

mdnajafi@yahoo.com

\*\*\* - دانشجوی دوره دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان.

kamalnosrati1367@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۰۳/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۲۵

تربیتی پرداخته و سپس شیوه‌های ظهور و تقویت آن در نظام تربیتی اجتماعی را بیان کرده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد تربیت کریمانه، شیوه خاص ارتباطی بین مربی و متربی در انسان‌شناسی اسلامی است و در نظام‌های حقوقی، اخلاقی و اجتماعی نیز از عوامل مهم و مؤثر قلمداد می‌گردد. ضرورت انجام رسالت تعلیم و تربیت در نظام اجتماعی از یک سو و تمایل ذاتی و فطری به کسب کرامت و احساس ارزشمندی افراد از سوی دیگر، تعلیم و تربیت را به این روش تربیتی خاص سوق می‌دهد؛ روشی که می‌تواند روح عزت‌مندی را در متربی بیدار و استمرار آن را تضمین کند.

## واژه‌های کلیدی

کرامت نفس، جامعه عزت‌مدار، تربیت کریمانه، نظام تربیت اسلامی.

## مقدمه

براساس آموزه‌های اسلامی، شکوفایی جامعه در گرو نهادینه شدن نگاه ارزشی به انسان است؛ نگرشی که در آن ارزش‌های دینی نماد عزت مسلمانان باشد. از آنجا که باور و فرهنگ هر جامعه و تمدن برآیند نظام تعلیم و تربیت آن است، بهره‌مندی از توانمندی آن در عزتمندی جامعه اسلامی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است تا با نقش کلیدی خود وفق دید هر نسل را به روی عظمت خود گشوده، جامعه را در مسیر درست قرار داده و فرهنگ جامعه را به سوی کمال ارزش‌های انسانی و اسلامی هدایت کند. با این رویکرد، تقویت و توجه به کرامت انسانی مبتنی بر ارزش‌ها می‌تواند مؤلفه مهم و تأثیرگذار در بسیاری از ابعاد زندگی بوده و اصول عزت‌مندی را در جامعه حاکم کند.

براساس همین ضرورت، آموزه‌های اسلام ضمن توجه به اهمیت روابط بین مربی و متربی و محور قراردادن کرامت و پیامدهای آن، تحکیم و توسعه شخصیت متربی را از طریق بزرگ‌مداری و عزت نفس مورد تأکید قرار داده و آن را مبنایی برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی می‌داند.

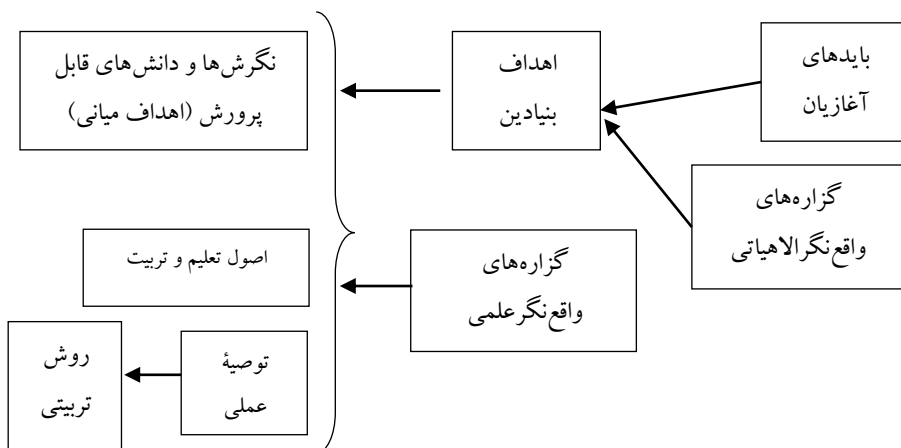
از سوی دیگر، پارادایم حاکم بر نظام تربیتی هر جامعه نشان‌دهنده میزان توجه و ارزش‌گذاری به شأن و مقام انسانی است. این توجه و ارزش‌گذاری که به صورت همسان برای همه افراد جامعه به صرف انسان بودن لحاظ می‌گردد، مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی است و با نگاه موشکافانه به عزت‌مداری هر جامعه می‌توان به جانمایه فکری و فلسفی تربیتی آن پی برد. بر همین پایه، نظام تعلیم و تربیت اسلامی باید مبتنی بر نوعی انسان‌شناسی باشد که در آن هیچ‌گونه امتیاز مادی، موقعیت اجتماعی و پست و مقام و ثروت تعیین‌کننده نباشد. این ارزش به چیزی ورای این ملاک‌ها تعلق می‌گیرد که آن احترام به نفس و ذات انسانیت است. همین نکته سبب شده تا در بررسی رویکرد مکاتب گوناگون به جایگاه انسان و ارزش‌گذاری به او، اسلام با داشتن یک انسان‌شناسی عمیق، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و صاحب دقت نظری باشد که در آن انسان با ویژگی‌های بسیار متمایز، احسن‌المخلوقین خطاب گردد. این نگاه سبب شده تا کرامت انسانی به زنجیره اتصال به کرامت خدایی تبدیل و امنیت، اخلاق و عزت‌مندی را به همراه بیاورد. هم‌چنین حفظ و ظهور آن از رسالت‌های مهم پیامبران الهی و از اهداف نظام تعلیم و تربیت گردد. بخش عمده‌ای از دغدغه‌های هویتی، حقوقی و اخلاقی در جامعه ناشی از بی‌توجهی یا نادیده گرفتن این هدف در نظام تربیتی است. این موضوع، ضرورت استنتاج و نظام‌کردن آن را به صورت یک استراتژی تربیتی تحت عنوان «تربیت کریمانه» اثبات می‌کند.

با توجه به این ضرورت‌ها و در راستای این هدف، پژوهش پیش رو به دنبال پاسخ به این سؤالات است:

۱. براساس آموزه‌های اسلامی مبانی تربیت کریمانه در جامعه کدام است؟
۲. براساس این مبانی، چه اهداف و اصول تربیتی کریمانه‌ای استنتاج می‌شود؟

### روش پژوهش

این پژوهش دارای رویکرد کیفی و با روش پژوهش استنتاجی (الگوی بازسازی فرانکنا) انجام شده است. این الگو از روش‌های پیش‌رونده<sup>۱</sup> است که علاوه بر قدرت تحلیل نظریه، قابلیت نظریه‌پردازی را داراست و حرکت از مقدمات به سوی نتایج و گزاره‌های واقع‌نگر و بایدهای آغازین به سوی فن تربیتی است (باقری، ۱۳۸۹: ۱۲۳)؛ لذا طی آن مبانی نقلی و روایی به عنوان گزاره‌های واقع‌نگر تحلیل و بررسی می‌شود و بایدهای آغازین در این موضوع تعیین می‌گردد. در مرحله بعد براساس این مبانی، دانش مبتنی بر اهداف و توصیه‌های روشی دسته‌بندی و در قالب نظام تربیت کریمانه ارائه می‌گردد. مدل حرکتی این مقاله برحسب مدل ارائه‌شده به این صورت قابل ترسیم است.



## مبانی تربیت کریمانه

### ۱. گزاره‌های واقع‌نگر: مفهوم‌شناسی و تعریف کرامت

برای ایجاد یک چهارچوب نظری ابتدا به مفهوم‌شناسی کرامت اشاره می‌گردد. کرامت از ریشه کرم و به معنی سخاوت، شرافت و عزت به کار می‌رود. در زبان فارسی برای واژگان کریم، کرامت و کرم، بزرگوار، ستوده، گرامی داشته‌شده، بزرگانه، گرامی کرده، آزاده و بخشیده، آمده است. فعل این واژه «تکریم» و درباب تفعیل به معنی واژگانی برکشیدن، برگزیدن، گرامی کردن، گرامی داشتن و بزرگی دادن به کار رفته است. در قالب صفت، کریم به عنوان یکی از نودوننه نام زیبای خداوند مطرح است؛ گرچه در قرآن واژگان اکرام و تکریم و برگرفته‌های آن ذکر و خود واژه کرامت نیامده است (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۴۳). این واژه بنابر قلمرو و جایگاه کلام و نوع انتساب، دارای معانی متفاوت کاربردی است؛ زیرا هر چیز والا و بالایی در زمینه خود به کرم، ستوده و وصف می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۰۷) که البته به هم نزدیک هستند.

در قرآن واژه «کرم» اگر برای وصف خداوند بزرگ به کار رود، نامی برای نیکی‌ها و لطف‌های آشکار و پیدای پروردگار جهانیان است.

در آیه ﴿فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾، کریم به معنای بخشنده و بزرگوار، یعنی بخشش و بزرگواری پیدا و نمودار پروردگار آمده است.<sup>۱</sup> در مناسبت‌های دیگر واژه «کرم» برای وصف خداوند نامی برای نیکی و لطف‌های آشکار و پیدای اوست؛ چنان‌که در آیه ﴿فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾، کریم به معنای بخشش و بزرگواری پیدا و نمودار پروردگار آمده است.<sup>۲</sup> یکی دیگر از مهم‌ترین معانی کاربردی برای کرامت، مفهوم سخی و سخاوتمند است که آن نیز از بزرگواری سرچشمه می‌گیرد؛ چنان‌که در قرآن کریم اشاره شده است: «همانا پروردگار بی‌نیاز و سخاوتمند است.»<sup>۳</sup> در این جا، صفت بزرگواری و بخشندگی با پروردگاری و بی‌نیازی پروردگار جهان همخوان و سازگار است.

برای قرآن صفت کریم در آیه ﴿إِنَّهُ لَقَرِيبٌ كَرِيمٌ﴾ به معنی راهنمایی، بیان، دانش و فرزاندگی به کار رفته است (ابن منظور، ۱۳۶۳: ۵۱۳). اما اگر انسان با واژه «کریم» ستوده شود این واژه، نامی برای اخلاق و کردارهای پسندیده‌ای است که از او سر می‌زند؛ لذا تا هنگامی که از کسی بخشش، بزرگواری و بزرگ‌منشی پدیدار نشود، به او کریم، یعنی بزرگوار و گرانمایه نمی‌گویند (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۴۲). البته در رابطه با لقب حضرت امام حسن مجتبی علیهما السلام که به کریم اهل بیت معروف است همین سخاوت مد نظر قرار گرفته است.

۱- واقعه/۷۷.

۲- همان.

۳- نمل/۴۰.



علاوه بر این، معنی کرامت در مفهوم عزت از بیشترین کاربرد تربیتی برخوردار است و مقابل آن صفت ذلت و لثامت قرار می‌گیرد. در رابطه با زندگی حضرت امام حسین علیه السلام که سراسر آن مملو از کرامت نفس است نیز در همین معنی به کار می‌رود.

سفارش خداوند در قرآن به فرزندان درباره پدر و مادر و رفتار کریمانه، بزرگوارانه و ارجمندانه و نوع سخن گفتن با آنان نیز با مفهوم کریم بیان گردیده است: ﴿وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ (اسراء/ ۲۳) که در این موارد واژگان «اکرام» و «تکریم» به معنای بخشش، بزرگواری و نیکویی رساندن به انسان است و از فعل «کرم»، یعنی بخشندگی، دست‌ودلبازی، سودمندی و کریم بودن گرفته شده است.

کاربرد مهم دیگر که محور بحث کرامت نفس است، احترام و عزت است. برای مثال در آیه ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات/ ۱۳) واژه اکرام به معنی بزرگواری، بزرگ‌منشی و ارجمندی به کار می‌رود و بنا بر آن، بزرگ‌منش‌ترین مردم پرهیزکارترین آنان است. این معنی بود که واژه کرامت را که در دورانی به سطح واژه‌هایی مانند شرافت خانوادگی و ثروت و تبار و حتی مردگان تنزل پیدا کرده بود با ملاک تقوا به جایگاه شریف انسانی ارتقا و به این ترتیب به مفهومی گسترده، جاندار، پویا و فراگیر و انقلابی تبدیل کرد.

تنوع در معانی و کاربردهای متفاوت واژه کرامت تعاریف مختلفی را به همراه دارد. گاهی کرامت به کارهای معجزه‌آسایی که از اولیای خدا سر می‌زد تعبیر می‌شود. در تعریف دیگر، کرامت به شأن و منزلت اعطاشده به آن دسته از

کسان که از نظر اخلاق و منش در جایگاه بلندی ایستاده‌اند و با زندگی مؤثر و مفید، شرافتمند و بزرگ‌منش هستند اطلاق می‌گردد. از جان‌گذشتگی شهیدان و آزادگان و حماسه‌سازان جهان در سراسر تاریخ بشری، در این رده جای می‌گیرد. گاهی نیز کرامت در رابطه با منزلت انسان به اعتبار این که موجودی با اراده و مختار است، به کار می‌رود. هم‌چنین در بعضی منابع، کرامت در رابطه با وضعیت و جایگاه این جهانی فرد به کار رفته و در موارد زیادی هم در رابطه با بها و ارزش اخلاقی به کار می‌رود (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۴۴).

اما از همه مهم‌تر در تعریف حقوقی، کرامت در کنار ذات و نفس به معنی یک حق طبیعی و مهم و درونی برای همهٔ انسان‌ها است که در یک زندگی مطلوب براساس اصول انسانی باید حفظ گردد. از این جهت، انسان در نظام حقوقی با مقررات حقوقی پیوند و وابستگی قابل توجهی دارد. منظور آن است که همهٔ انسان‌ها در هر سن و جایگاه ویژه، به احترام انسانی نیاز دارند که خود نمی‌توانند از آن برخوردار شوند و باید در زندگی اجتماعی تأمین شود و همه موظف به رعایت آن هستند.

پایین‌ترین مرحلهٔ کرامت در بحث حقوقی آن، یک رفتار خوب و یک برخورد مناسب است که در حفظ شخصیت و شأن انسانی فرد ارائه می‌شود. به این ترتیب، همهٔ انسان‌ها در این اصل همسان و مشترک هستند. انسان همین که انسان است، در خور احترام و برخوردار از این حقوق است و هیچ دلیلی مانند تبار و میزان ثروت و حتی عملکرد ناشایست نمی‌تواند این حق را سلب کند. حتی مجرمین در آخرین حد مجازات کیفری هم باید مجازات شوند اما نباید آنها را از کرامت و احترام شخصیت محروم کرد. در این معنی، کرامت جایگاهی خاص در تعلیم و تربیت و تعاملات انسانی دارد و یادآوری و



خودآگاهی از آن در رابطه با وظایف اجتماعی تعلیم و تربیت است؛ چراکه وظیفه تعلیم و تربیت، پرورش انسان برای جامعه مطلوب است.

برای رسیدن به این مطلوب، تعریف اخلاقی کرامت نیز مدنظر است؛ چون ملاک کرامت بها و ارزش و اهمیت اخلاق درونی و ذاتی انسانی است و نظام اخلاقی او شیوه زندگی فردی و اجتماعی او را می‌سازد (مرادی، ۱۳۷۹: ۴۵۹). به همین جهت، احیای کرامت انسانی از دستاوردهای اخلاقی بعثت پیامبر اکرم و همه پیامبران است و تمام ارزش‌ها در حفظ و ظهور کرامت انسانی، زنده می‌شود.

بنابراین مبانی، نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر توجه به شیوه تربیت کریمانه از جهت حقوقی و اخلاقی بوده و به‌عنوان یک حق ذاتی و عامل تعالی و رشد روحی و معنوی مرتبی در اهداف نظام تعلیم و تربیت مورد توجه جدی قرار می‌گیرد. در این صورت، رسالت تعلیم و تربیت در بهبود و ارتقای سطح جامعه تجلی می‌یابد.

## ۲. بایدهای آغازین (ضرورت تجلی کرامت انسان)

الف) بایدهای قرآنی و روایی

در نگاه ویژه اسلام به انسان و گوهر وجودی او، که او را در بین دو جایگاه، مقامی بالاتر از فرشتگان یا حرکت تا مرز حیوانیت قرار می‌دهد، راز این ضرورت برای حرکت صحیح یافت می‌شود.

در آیات قرآن به این مطلب اشاره شده که انسان این همه عظمت و شوکت را مرهون نعمت اراده و اختیاری است که هستی‌بخش عالم به او

عطا کرده است. اگر این اختیار او را در مسیر صحیح هدایت نماید، انسان به بالاترین درجه کمال می‌رساند و اگر این شخصیت در معرض آسیب‌ها قرار داده شود احسن تقویم را به ﴿ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ﴾ (تین/ ۵) می‌کشاند (طاهری، ۱۳۸۴: ۶۴). این حرکت بین دو قلمرو است.

در تعبیر دیگر، این تکریم انسان، به نعمت عقل نسبت داده شده که ویژه انسان است و به وسیله آن خیر را از شر و نافع را از مضر و نیک را از بد تمیز می‌دهد؛ هم‌چنین مسائل دیگری مانند نطق، توانایی نوشتن و تسخیر موجودات دیگر به آن مبتنی است. با این رویکرد، معنی تفضیل انسان بر سایر موجودات به این است که از آنچه به آنها داده، سهم بیشتری به انسان داده است (طباطبایی، ۱۳۶۳).<sup>۱</sup>

روح الهی نیز منشأ و ضرورت دیگر کرامت انسان از دیگر موجودات است: خداوند متعال، انسان را به‌عنوان نوع کریم معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾. (اسراء/ ۷۰) نقطه تمایز انسان و سایر موجودات و عامل خضوع و خشوع و سجده فرشتگان در برابر انسان، به خاطر کرامت به این گوهر است. امام علی علیه السلام، پس از بیان نحوه خلقت انسان از سوی خالق یکتا، می‌فرماید: آن‌گاه خداوند سبحان از فرشتگان خواست که به پیمان خویش عمل کنند و بر وصیت الهی گردن بگذارند و در برابر کرامت انسانی، به نشانه خضوع و خشوع سجده آورند. پس به آنان گفت: «در مقابل آدم به سجده درآیید.» (ابن

۱- ذیل تفسیر آیه ۷۰ سوره اسراء.

ابی‌الحدید، ۱۳۸۳ق، ج ۱۷). آنچه فرشتگان به سجده و تعظیم در برابر آن مکلف شدند، گوشت و پوست و استخوان انسان نبود، بلکه «کرامت انسانی» بود؛ و موجودی که در برابر این کرامت سر تعظیم فرود نیاورد از درگاه الهی رانده و دشمن خدا قلمداد شد: «پس همگی بی هیچ استثنایی سجده‌اش کردند، جز ابلیس» که کبر ورزید و با تکیه بر اصل و نژاد برترش بر آدم فخر فروخت و به دام تعصب افتاد. چنین بود که ابلیس دشمن خدا، پیشوای متعصبان و نیای مستکبران شد (ابی‌یعقوب، ۱۳۹۰ق، ج ۲) و اهمیت کرامت را بر همه ثابت کرد به حدی که حتی ارزش رانده شدن را از درگاه الهی داشته است.

نکته دیگر این که پذیرش بار امانت و مقام خلافت الهی از طرف انسان نیز بر ضرورت این کرامت افزوده است؛ زیرا هیچ موجودی به مقام خلیفه الهی نرسیده و قابلیت پذیرش این امانت را نداشت و این دلیل دیگری برای سجده فرشتگان بود. خداوند با راندن ابلیس از درگاه خود، پایان نادیده گرفتن کرامت انسان را بیان می‌کند. این فرجام برای همه امکان‌پذیر است؛ چرا که شخصیت خود و دیگران را کوچک و ناچیز شمردن کاری شیطانی است.

این ویژگی‌های خاص انسانی که مورد تأکید قرآن و روایات است نشان می‌دهد که کرامت امری لازم و ضروری است و در واقع مفهوم انسانیت انسان در گرو آن است. این حقیقت بیان، ضرورت تجلی کرامت در زندگی فردی و اجتماعی و جایگاه اجتناب‌ناپذیر آن در هر نوع تعامل و ارتباط به خصوص در عرصه تربیت است؛ چرا که بدون آن انسان در مسیر وظائف و رسالت‌ها و اهداف خلقت خود قرار نمی‌گیرد.

## ب) بایدهای حقوقی (مبتنی بر خلقت انسانی)

بدیهی است که نیاز به کرامت ویژه‌ی زمان و مکان نیست. و خارج از تفکر هرکس در رابطه با دلیل این حرمت، بخشی از نیازهای ذاتی و فطری انسان است. حتی انسان‌های بی‌دین نیز به این اصل احترام گذاشته و خواستار آن هستند. به همین دلیل است که به عنوان نیازی از نیازهای انسانی از مهم‌ترین مباحث در مسائل تربیتی انسان بوده و درمان بسیاری از آسیب‌های روانی، توجه به همین نیاز فطری است؛ لذا ضرورت و نیاز ذاتی انسان به عزت نفس و کرامت در روانشناسی نیز مطرح و مسئله‌ی عزت و سیادت آن قدر ارزش والایی دارد که اصلاً زندگی بدون آن معنی ندارد (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۱۱). با این رویکرد، بالاترین نیاز انسان، نیاز به عزت نفس و احترام است تا به سطح کامل‌تر و متعالی‌اراده برسد و الا در سطح انسان‌های کوچک با نیازهای کوچک و حقیر باقی مانده و نیاز او به خودشکوفایی به کمال نمی‌رسد و عقده‌ی خودکم‌بینی به زندگی فردی و اجتماعی او آسیب می‌زند.

بنابراین کرامت از دو جنبه قابل بررسی است: یکی کرامت عمومی که حق ذاتی و مدنی همه‌ی انسان‌ها است؛ به این معنی که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که در مقایسه با برخی موجودات دیگر از لحاظ ساختمان وجودی امکانات و مزایای بیشتری دارد، یا تنظیم و ساختار امکاناتش به شکل بهتری صورت پذیرفته و در هر حال، از دارایی و غنای بیشتری برخوردار است (رجبی، ۱۳۸۵: ۵۵). این کرامت به نام کرامت طبیعی نیز تعبیر شده که همه‌ی انسان‌ها، بی‌استثنا از آن برخوردار و

از حقوق مبتنی بر آن بهره‌مندند. مظاهر این نوع کرامت قوه عقل، آزادی اراده و اختیار و سایر ویژگی‌هایی است که انسان را از موجودات دیگر متمایز می‌کند.

بخش دوم کرامت نفس در ارتباط با رشد و پرورش اجتماعی و اکتسابی است. مقصود از کرامت اکتسابی دستیابی به کمال‌هایی است که انسان در پرتو ایمان و اعمال صالح اختیاری خود به دست می‌آورد. این نوع کرامت، عزتی برخاسته از تلاش انسانی و آموزش و ملاک تقرب در پیشگاه خداوند است؛ لذا با این کرامت انسانی بر انسان دیگر برتری می‌یابد (رجبی، ۱۳۸۵: ۱۵۵) و جامعه خود را از دیگر جوامع متمایز می‌کند.

این کرامت، اختیاری است و میزان دستیابی انسان به کمالات ملاک آن است و برخلاف کرامت تکوینی که در وجود انسان‌ها نهفته بود، حاصل انتخاب انسان بین دو طرفی است که او را مخیر می‌سازد تا مقصدی را برگزیند. تعبیر دیگری که برای این کرامت استفاده شده «کرامت انسانی الهی» و اساساً شرف، حیثیت، ارج و ارزشی است که با کوشش و خواست خود انسان به دست می‌آید.

نوع پرورش و نگاه به این کرامت، موجبات تفاوت‌های رفتاری انسان و نظام حقوقی جامعه را برای انسان‌ها فراهم می‌آورد. هم‌چنین در خود جامعه هر انسانی را با درجات مختلف شایسته احترام و بزرگی، اولویت‌بندی و در دو گروه اخلاقی قرار می‌دهد.

کرامت ذاتی مقدمه‌ای برای رسیدن به کرامت اکتسابی بوده و فاقد ارزش اخلاقی والای کرامت اکتسابی است؛ هرچند حقوق حقه همه انسان‌ها است (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۵۰). نظام تعلیم و تربیت بر این اساس باید در نظر بگیرد که همه انسان‌ها، استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند؛ هرچند برخی به آن دست می‌یابند و برخی از آن بی‌بهره می‌مانند. همان‌طور که آیاتی که به کرامت اکتسابی انسان پرداخته‌اند یا آیاتی هستند که امکان وجود این کرامت را بیان می‌کنند یا امکان عدم آن را. از جمله این آیات: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات/۱۳) دال بر این کرامت و ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ (عصر/۲) و ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا﴾ (معارج/۱۹) نفی این کرامت را تذکر می‌دهد (رجبی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). این دلیل دیگری بر رویکرد دوگانه آموزه‌های تربیتی و اسلامی است.

### تبیین نظام تربیت کریمانه

با توجه به این بایدها و نبایدها، تأکید آموزه‌های اسلامی بر حفظ عزت و ارزش انسانی چنان است که گویی انسان به دنیا آمده تنها به این دلیل که گوهر کرامت انسانی خود را کشف کند و به منصفه ظهور آورد و در کوران آزمایش‌ها و ابتلائات زندگی جلا دهد و در جایگاه صدیقین و ملائکه آرام بگیرد.

بنابراین ظهور و حفظ کرامت نفس از مهم‌ترین ابعاد رسالت پیامبران است. به همین دلیل نیز بزرگان اهل معرفت و طلایه‌داران قله‌های اخلاق و فضیلت و متولیان تعلیم و تربیت، در میان انبوه مفاهیم بیشترین اهتمام را در شناساندن کرامت انسانی به ابناء بشر داشتند و گویی کسی که ارزش این گوهر را شناخت به همه ارزش‌های اخلاقی و حقوقی یکجا دست یافته و آن کس که شناخت

هیچ معنایی از انسانیت را درک نکرده است. اما اهتمام به این امر، پای روش‌شناسی را در نظام تربیتی باز می‌کند.

آموزه‌های اسلامی با توجه به این مبانی به بیان نظام‌مند فرآیند تربیتی پرداخته و به‌عنوان یک رسالت ترسیم می‌نماید. این رسالت هم شامل ظهور و تجلی کرامت ذاتی یا طبیعی و تکوینی است و هم حرکت انسان به سوی کرامت الهی اکتسابی را در برمی‌گیرد. با این بیان، هرکس که در مقام تعلیم و تربیت قرار گیرد، به پیروی از پیامبر و ائمه واسطهٔ پل ارتباطی بین کرامت انسانی به کرامت الهی است که آن را در قالب تربیت کریمانه شکل می‌دهد.

## اهداف تربیت کریمانه

در راستای هدف بنیادی تشکیل جامعهٔ عزت‌مدار این اهداف میانه قابل تبیین است:

### ۱. پرورش روحیهٔ عزت‌مداری

هدف نظام‌های تربیتی در این حیطة آن است که انسانی را تربیت کند که برای خود ارزش قائل بوده و برای شرف، از عزت دیگران در هر مقام و جایگاهی محافظت کند. هم‌چنین خود را در مقابل هر پستی ایمن و به ذلت خواسته‌های بی‌ارزش تن ندهد.

اگر تعاملات متربی با احساس کرامت نفس همراه نباشد، فرد برای خود ارزشی قائل نیست که از آن محافظت یا برای توسعهٔ آن تلاش کند. از آن سو، نظام تربیتی‌ای که به احیای کرامت نفس نظر دارد و با ایجاد فرصت انتخاب و گزینش باعث ایجاد اعتماد به نفس و احساس

امنیت متربی شده و سلامت روانی وی را تأمین می‌نماید، احترام متقابل و تعامل اجتماعی موفق در جامعه را تضمین می‌کند.

## ۲. شناخت جایگاه واقعی ارزشی انسان

تربیت کریمانه باید زیربنای حرکت متربی به‌سوی مدارج عالی انسانی باشد؛ لذا نظام تربیتی باید به‌نحوی عمل نماید که انسان با شناخت مرتبه ارزشی خود، انگیزه حرکت به‌سوی کمال را به‌دست آورد.

در آموزه‌های اسلامی دلایل بسیاری مطرح است که مبنای بودن کرامت نفس را برای رسیدن به زندگی متعالی انسانی ثابت و به‌عنوان یک دستورالعمل ارائه می‌نماید. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته (فیض‌السلام، ۱۳۲۶: ۴۴۹).

در جای دیگر آمده:

من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصية (برازش، ۱۳۷۶: باب ۴۱)

و در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید:

نفس خود را از پستی گرامی بدار؛ هرچند تو را بدانچه خواهی رسانند.

چه، آنچه را از خود بر سر این کار می‌نهی هرگز به تو برنگردد.

دقت در این موارد، ارزش کاربردی تربیت کریمانه را برای مربیان و

متولیان امر تعلیم و تربیت یادآوری می‌کند.

## ۳. ارتقای خودشناسی

تربیت کریمانه درجه شناخت فرد از خود و توانمندی‌اش را افزایش

می‌دهد؛ لذا پی‌بردن به ارزش و عظمت کرامت نفسی که در نهاد انسان



به ودیعه گذارده شده یکی از مهم‌ترین مراحل خودشناسی است. انسان تا هنگامی که به توانایی‌ها و قابلیت‌های ذاتی خود پی نبرد و به گوهر ارزشمند کرامت خود واقف نشود، نمی‌تواند در مسیر تکامل و تعالی گام بردارد و آن قابلیت‌ها و کرامت نفسانی را به فعلیت برساند. چنانچه حضرت علی علیه السلام در خصوص اهمیت معرفت انسان به خود تأکید دارد که «خود» انسانی گوهری ارزشمند است. اگر آدمی درست آن را پاس بدارد، سربلندی و سرفرازی می‌یابد و اگر آن را ارج نهد، به پستی گرفتار آید (محمدی‌ری شهری، ۱۳۶۳، ج ۱۲۵: ۱۰).

بی‌تردید، گرفتاری انسان در دام دنیا و ظواهر زندگی مادی، با هدف خلقت الهی و کرامت والایی که خداوند با دمیدن روح خود در انسان، آن را در نهاد بشر به ودیعت نهاد، ناسازگار است. خودشناسی امکان شناخت هماهنگی‌ها را فراهم کرده و مرتبی پی می‌برد که ارزش و عظمت کرامت انسانی و هدفی که انسان برای آن خلق شده است، بسیار بالاتر است از این که آن را در مقابل دنیا و خواسته‌های بی‌ارزش از دست بدهد. در این میان، از دست دادن بهشت و نعمت‌های آن حداقل بها برای کرامت نفس و به دست آوردن کمال انسانی در رضایت خداوند، معادل ارزشی است که می‌توان برای آن قائل شد.

این خودشناسی و معرفت به نفس و ارزش آن، ریشه الهاماتی اخلاقی و هدایت انسان به مسیر تکامل است. وظیفه نظام‌های تعلیم و تربیت آن است که مرتبی را به «خود» شناسی و شناختن «خود» اصیل و

روح الهی‌اش ترغیب و او را از حس شرافت و عزت خود برخوردار کند تا به خواسته‌های سطحی و پست تن در ندهد و مهارت تشخیص نیاز واقعی خود را به او بیاموزد. آنچه گاهی مربی را از مسیر اصلی خارج می‌نماید و زمان زیادی از عمر او را صرف تلاش در مسیر کسب خواسته‌های ناهماهنگ با عزتمندی‌اش می‌کند، پوچی و خلأ روانی حاصل از عدم شناخت توانمندی‌های خود است.

#### ۴. تقویت اخلاق محوری

امام هادی علیه السلام تأکید دارند که «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ» (محمدی‌ری شهری، ۱۳۶۳، ح ۶۷: ۱۹). هدف دیگر در تربیت کریمانه، توجه به کرامت به‌عنوان یک کنترل‌کننده فرد و عامل انضباط درونی است؛ زیرا روشن است که جامعه با اعضای پایبند به شئون اخلاقی، جامعه‌ای نیست که تنها با کنترل بیرونی و از طریق مقررات، قوانین و وجود پلیس و نهادهای حقوقی کنترل می‌شود، بلکه جامعه‌ای است که انسان‌هایش دارای یک عامل کنترلی درونی‌اند که در جمع و خلوت از پستی و زشتی دوری می‌کنند. آنچه این کنترل‌کننده قوی را احیا می‌کند، احساس کرامت نفس است. کرامت در انسان خصلت‌هایی ایجاد می‌کند که او را در هر شرایطی از لثامت دور کرده و ملزم می‌کند در هر مقامی به دیگران و حقوق آنها احترام بگذارد.

نظام تربیتی باید بداند که پایه شخصیت انسان کامل در پیدایی و آشکارشدگی خصلت‌های انسانی ساخته شده و آدمی را متخلق به اخلاق

می‌نماید. بنابراین اگر مربی بخواهد یک انسان رشدیافته در ابعاد اجتماعی و فردی را پرورد، باید این کرامت را در اولویت روش تربیتی خود قرار دهد.

## ۵. تعادل و جامعیت

کرامت نفس محور ظهور استعدادهای انسانی و منشأ تمام خصلت‌ها و محرک انسان است. هر مکتبی که بتواند دست روی نقطه‌ای بگذارد که با دست گذاشتن روی آن نقطه تمام استعدادهای وجود انسان هماهنگ با یکدیگر و بدون افراط و تفریط به حرکت در آیند، آن مکتب جامعی خواهد بود. این نقطه و آنچه در اخلاق اسلامی، محور و روح اخلاقی محسوب می‌شود، کرامت و عزت نفس است (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۶).

بر این مبنای پرورش منش و شخصیت سالم از نظر روانی در سایه احساس ارزشمندی آغاز و سپس با خودنگهداری - که سبب جلوگیری از آلوده شدن در ورطه بدی‌ها و امور نفسانی می‌شود - به پرورش انسان با منش متعالی منتهی می‌گردد.

نظام‌های تعلیم و تربیت باید در سایه این احساس، خودباوری و اعتماد به نفس را در انسان زنده و با برخوردار کردن او از بلند نظری و احترام و گذشت به دیگران، وی را از کینه دور کند. این منش متعادل سبب دوری فرد از بی‌هدفی و آشفتگی شده و او را تحت یک برنامه حمایتی قرار داده و به بهداشت جسمی و اخلاقی و روحی فرد کمک می‌کند.

## ۶. ارتقای تربیت شهروندی

نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه موظف به تعالی زندگی اجتماعی است. یکی از اهداف مهم در تربیت کریمانه، تأثیرگذاری آن در شیوه زندگی اجتماعی است.

جامعه عزتمند در سایه پرورش روحیه کرامت افراد آن به دست می آید و عزت مردم، استقلال و پیشرفت جامعه و روح جهاد و دفاع را احیا می کند. در چنین جامعه ای هر شخص با هر پایگاه اجتماعی و مقام به عنوان یک انسان دارای حقوق مدنی همسان با دیگری است و هیچ کس اجازه هتک حرمت او را حتی اگر در بدترین شرایط جرم و اخلاق باشد ندارد. ملاک خواسته های معنوی و رفتار با دیگران، شخصیت الهی و خود ملکوتی افراد است. تربیت کریمانه برای پرورش یک شهروند کامل به تثبیت ارزش هویت مذهبی و فرهنگی، ایجاد زمینه های خودباوری و عدالت اجتماعی می پردازد.

## ۷. ارتقای نظام اخلاقی فردی و اجتماعی

ایجاد بینش اخلاقی عمیق، رسالت تعلیم و تربیت است. کرامت نفس پایه نظام های اخلاقی به شمار می رود و تربیت کریمانه راهکاری مناسب برای انجام آن است. تأکید کرامت نفس بر ارزشمندی نفس و یادآوری جایگاه عالی انسان، این فرآیند را آغار می کند. وقتی انسان به این نوع درونگری و خودشناسی نائل شود و شرافت و کرامت خویش را احساس کند، دیگر به پستی و ذلت که با نهاد الهی او در تقابل است تن نمی دهد و مواردی مانند دروغ، تهمت، فحشا و نفاق را در شأن خود نمی بیند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

ان النفس لجوهرة ثمينة من صانها رفعها و من ابتذلها وضعها  
(محمدی ری شهری، ۱۳۶۳، ج ۱۰: ۱۲۵).

با این مبنا، خود انسانی، گوهری ارزشمند است که اگر آدمی درست آن را پاس بدارد، سربلندی و سرفرازی می یابد و اگر آن را ارج نهد، به پستی گرفتار می شود. این ارتباط با خود ملکوتی، ریشه همه برتری ها و زیبایی اخلاقی شده و این خود پیوند با خداست که باعث می شود تن به پستی نداده و خود را با علم حضوری درک کند (مطهری، ۱۳۶۶: ۸۴). در عین حال، همین ارتباط باعث می شود از هر رذیلت اخلاقی که او را از خدا دور می کند، حذر نماید. این نظام اخلاقی به نهادینه شدن اعتقادات او و باور و ایمان منتهی می شود. در این مسیر، کرامت محور ایمان و ایمان محور کرامت است. ظهور ایمان به عنوان کارکرد مهم احیای کرامت نفس، نقش مؤثری در حفظ آن دارد و هیچ جوهری مانند ایمان نمی تواند به تداوم کرامت کمک کند و با ایجاد زمینه فضیلت خواهی و تقواگرایی و رحم و مروت خواهی آن را حفظ نماید.

بنابراین باید با شیوه تربیت کریمانه، انسان هایی با ویژگی ها و مشخصات خاص اخلاقی برای جامعه پرورش یابند. در این مسیر، متربی درک می کند که سرمایه وجودی فقط در سایه خودارزشمندی و خودنگهداری حفظ و در پرتو خداشناسی تثبیت می گردد.

## ۸. کمک به تربیت اجتماعی فرد

در نظر داشتن کرامت نفس هم به عنوان یک حق و نیاز ذاتی و هم به خاطر تأثیرات اخلاقی، فرد را از نظر روانی و تعامل اجتماعی می سازد و با ایجاد حس

رضایت‌مندی و شکرگذاری و تعامل مثبت با دیگران، آرامش را در فرد تثبیت می‌کند. بر همین اساس، تربیت انسان اجتماعی از آثار دیگر این روش تربیتی است. هدف‌گذاری در تربیت کریمانه‌متربی، به شناخت ارزش‌ها و استفاده صحیح از استعدادها و هم‌چنین تلاش برای رسیدن به جایگاه بلند روحی وی می‌انجامد و با بخشیدن گناه و خطای دیگران و صبوری و احسان، به آرامش واقعی در زندگی مدد می‌رساند.

سادگی و صداقت انسان کریم در تعامل و ارتباط، مؤلفه مهم او در موفقیت زندگی اجتماعی است. وقتی انسان، بزرگ‌منشانه با دیگران روبه‌رو می‌شود از مکر و حيله و دورویی خودداری می‌کند؛ زیرا همان‌طور که حضرت علی علیه السلام اشاره دارند، انسان کریم روشن و آشکار و انسان لئیم پیچیده است (مجلسی، ۱۳۸۳: ۲۰۸). علاوه بر آن، پایبندی به عهد و پیمان و پایبندی به هر نوع قانون که توافق صحیحی بین انسان‌ها است و در آن حفظ حقوق دیگران مطرح است، از نتایج کرامت نفس است و اساساً انسان کریم خود را در مظان سرزنش دیگران قرار نمی‌دهد. وفای به عهد از کرم کریمان است.

متربی با درک اهمیت جایگاه خویش، از ویژگی مالکیت هوای نفس برخوردار می‌شود و بر زبان، غضب و امیال خویش تسلط می‌یابد. امام صادق علیه السلام نیز تأکید دارد که خوش‌خویی، غلبه بر خشم و چشم‌پوشی، گواه کرم انسان است (مجلسی، ۱۳۸۳: ۲۳۲). بنابراین با خوش‌خویی و خوش‌اخلاقی، در مقابل خواهش دیگران با قضاوت صحیح و با نرمی برخورد می‌نماید.

دغدغه‌های اجتماعی مانند قساوت و خشونت از مشخصات انسان‌های لئیم و ناشی از عقده‌هایی است که از خود کم‌بینی برآمده است. علت تأکید بر دوری از انسانی که برای خود ارزشی قائل نیست، همین نکته است. این روحيات، برای فرد جایگاهی خاص و حرمت و آبرویی ویژه ایجاد می‌کند؛ لذا انسان کریم نه تنها خود را شایستهٔ اکرام می‌داند، بلکه هر انسانی را نفعهٔ روح الهی می‌بیند و در حفظ شأن و آبروی او می‌کوشد. انسان کریم آبروی مؤمن را در بالاترین درجهٔ ارزش قرار داده و با جان و مال از کیان آن دفاع می‌کند. عزتمندی جامعهٔ اسلامی در شبکهٔ این نوع از تعاملات عملی می‌گردد.

#### ۹. روحیهٔ پویایی و تکامل در فرد

تحول‌گرایی و حرکت رو به جلو، هدف مهم در تربیت کریمانه و از مشخصات مهم انسان تربیت‌یافته است. کرامت از بدو تولد در انسان وجود دارد؛ اما بخش اکتسابی آن، با خودتحوالی و فعلیت قوا و استعدادها و فضیلت‌ها به‌دست می‌آید؛ البته به شرط این که انسان در مسیر درست قرار گیرد: ﴿إِنَاهْدِيَنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا﴾. (انسان/۳) از آن سو، اگر انسان در پی تحصیل کرامت نباشد، نفس او به فرومایگی خواهد افتاد. تحول و پیشرفت انسان در این مسیر، ناشی از محوریت عقل در زندگی نیز هست.

عقل‌گرایی، شاخصی مهم در سنجش و ارزیابی نظام‌های تعلیم و تربیت و از خصوصیات انسان کریم‌النفس و امانتدار است. یکی از مهم‌ترین امانات الهی، نعمت عقل و سرمایهٔ عمر است که انسان نباید آن را ضایع نماید، بلکه باید این موهبت الهی را نگه‌داری و در مسیر تکامل قرار دهد. کرامت نفس، انسان را

و اداری می‌نماید با استفاده از عقل، شرایطی را به وجود آورد تا بر زندگی فردی خود در جامعه نظارت و در اداره آن تدبیر کند.

## اصول تربیت کریمانه

تربیت کریمانه حاصل عزت محوری در فرآیند نظام تعلیم و تربیت است. اصل کرامت انسانی، ذاتی است. منظور از عواملی که در مسیر دستیابی به کرامت نفس بیان می‌شود، آنچه است که باعث هوشیاری و توجه انسان به کرامت نفس و توسعه آن با حرکت در مدارج و مراتب کمال می‌گردد. با این عوامل، روحیه عزتمندی در فرد به صورت ملکه رفتاری درآمده و در جامعه رواج می‌یابد. برای حصول نتایج، اصولی بر این شیوه تربیتی حاکم است که براساس مبانی و اهداف تعریف شده استنتاج می‌گردد. این اصول از این قرارند:

### ۱. اصل نظام‌مندی و تعادل در خواسته‌ها

انسان با کنترل و مالکیت نفس خود به نظام تعادل غرایز و خواسته‌ها دست می‌یابد. این نظام سبب ظهور کرامت نفس شده و هرچه این تسلط بیشتر شود بر کرامت انسان می‌افزاید. انسان با پالایش خویش و اندوختن آگاهی، بر باور ارزشمندی خود می‌افزاید؛ لذا با حساسیت و تعصب نسبت به نفس انسانی عمل می‌کند. امام علی علیه السلام با انگشت نهادن بر غیرت مخاطب، وی را به شرافت و کرامت نفس خود متوجه کرده و از رذائل و پستی‌ها برحذر می‌دارند. البته تعصب نابجا مانند عملکرد شیطان مقوله‌ای متفاوت است و اگر تعصبی هم هست باید بر تقوا و عبادتی که حافظ کرامت است باشد (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۵۰).



## ۲. اصل ضابطه‌مندی زندگی فردی

پرورش رفتارهای تقویت‌کننده کرامت نفس تابع استانداردسازی اخلاقی است که زندگی فرد را بر اصول خاصی برنامه‌ریزی می‌کند. ضابطه‌مندی، یکی از عوامل ارتقا و ترویج کرامت و احترام به شخص است. از جمله عواملی که این اصول را ضمانت و اجرایی می‌کند و سبب توسعه روابط اجتماعی می‌گردد، تقواست. تقوا علاوه بر آن که بنا به فرمایش امام علی علیه السلام خود، کرامت است: «لا کرم کالتقوی» (فیض الاسلام، ۱۳۲۶: حکمت ۱۰۹، فراز ۴)، با حفظ انسان از هر آلودگی و پستی بر کرامت و ارزش انسان می‌افزاید. نهادینه کردن تقوا در زندگی همراه با فضائلی مانند اراده محکم و همت قوی امکان‌پذیر است. امام علی علیه السلام کرامت را نتیجه اراده و همت می‌داند: «الکرم نتیجه علو الهمه» (آمدی، ۱۳۳۷، ج ۱: ۳۸۳). این دو، عامل مقاومت و حفظ انسان از تسلیم در برابر خواسته‌های نفسانی و قبول خفت خواهش از دیگران است.

این رویکرد علاوه بر آن، عامل عزت نفس و مصادیق رفتاری مانند حفظ حرمت شخصی، رازداری و عدم اظهار درخواست و گرفتاری است؛ زیرا خواستن، زمینه ذلت است. خواستن، حرمت شخصیت انسان را بر هم زده و آن گوهر را از جایگاه بلند خود به پایین می‌کشد (فیض الاسلام، خطبه ۸۵، فراز ۱۱). امام علی علیه السلام در این باره تشبیه زیبایی دارد:

«ماء و جهک جامد تقطره السؤال، فانظر عند من تقطره»؛ «آبروی تو، جامد است و با سؤال و درخواست، قطره قطره می‌ریزد. بنگر که قطرات آبرو را پیش چه کسی می‌ریزی» (فیض الاسلام، حکمت ۳۴۶).

نظام تربیتی باید به فراگیر به گونه‌ای به فرد آموزش دهد که با قناعت و ارادهٔ راسخ از عزت خود و جامعه محافظت کند.

### ۳. اصل تعامل عزت‌مدار

این اصل ناظر بر ارتباط مناسب با خود و دیگران، تأکید بر احترام به خود و ضابطه‌مند بودن ارتباط است. در این میان، ارتباط کلامی از اهمیت خاصی برخوردار است. ارتباط کلامی در دو حالت موجب تحقیر و از بین رفتن عزت نفس می‌گردد. حالت اول، زبان چاپلوس است که انسان را در ذلت و خفت شخصیتی قرار می‌دهد. در واقع، مهم‌ترین آفت عزت نفس، تملق و تملق‌گرایی است؛ حالت دوم، این که زبان بر انسان مسلط و جایگزین عقل و هوشمندی گردد. امام علی علیه السلام بر این امر تأکید دارد که کسی که زبانش را بر نفس خود امیر کند و اختیارات نفس را در دست زبان بسپارد، حقیر خواهد شد (فیض الاسلام، ۱۳۲۶: حدیث ۱ و ۲). بنابراین آموزش کنترل زبان از مهم‌ترین مهارت‌ها در یک نظام تربیتی است.

از دیگر موارد مهم در ضابطه‌مندی ارتباط، گزینش رفتار است که نشانهٔ شخصیت و عامل تداوم احترام شخص است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«إِيَّاكَ وَمَا يُعْتَدَّرُ مِنْهُ»؛ «پرهیز از کاری که نهایتاً مجبور به عذرخواهی بشوی» (فیض الاسلام، ۱۳۲۶، نامهٔ ۳۳، فراز ۳).

این که رفتار فرد با دیگری، مبتنی بر تکریم و احترام بوده و شأن انسانی در آن حفظ شود یا شیوه‌ای مبتنی بر اهانت و بی‌احترامی باشد، بسته به میزان کرامتی است که شخص برای خود قائل است. در این میان، هرگونه رفتاری که

خارج از ضوابط ادب و تکریم شخصیت باشد و موجب شرمندگی و عذرخواهی گردد، از این کرامت می‌کاهد.

در این گزینش، آنچه باید ملاک عمل قرار گیرد، حفظ عدالت و رضایت‌مندی در روابط اجتماعی است؛ زیرا ستم و تبعیض، نشأت گرفته از تحقیر و بی‌اعتبار ساختن انسان‌ها است. اگر انسان به‌دور از مشخصه‌های اعتباری یا قراردادی و نژاد و رنگ و با دیده کرامت ذاتی و اکتسابی مورد نظر قرار گیرد، در داوری و قضاوت، به اصل برابری و عدالت توجه خواهد داشت و هیچ‌کس را تحقیر نخواهد کرد.

بسیاری از عقده‌های روانی که زمینه آسیب فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند، ناشی از تحقیر کرامت است که از قضاوت‌های نادرست ناشی می‌شود.

#### ۴. اصل رشد جامعه عزت‌مدار

تعامل عزت‌مدار شرایط را برای پاسداشت کرامت و آزادی انسان در سیاست و قوانین اجتماعی هموار می‌کند. برآیند نظام تعلیم و تربیت و کرامت انسانی و فعلیت‌بخشیدن آن در زندگی فردی در یک جامعه عزت‌مدار تجلی و تحقق می‌یابد. آزادی حاکم بر این جامعه، عامل رشد شخصیت انسانی است. حدود آن را مؤلفه کرامت انسان تعیین می‌کند.

حفظ حرمت انسانی، از الزامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی جامعه است که استقلال، خودباوری فرهنگی و هویت انسان را به همراه دارد. تکریم شخصیت انسان از اهداف استراتژیک نظام سیاسی و محور سیاستگذاری در جوامع است. در نظام تعلیم و تربیت باید به گونه‌ای سیاستگذاری شود که علاوه

بر اهداف اخلاقی در زندگی شخصی، زمینه تشکیل جامعه‌ای فراهم گردد که در آن کرامت انسانی، بالاترین مؤلفه تصمیم‌گیری و گزینش باشد.

## نتیجه‌گیری

چالش‌های مهم جوامع در رابطه با افزایش آمار رفتارهای ضد ارزش اخلاقی فردی و اجتماعی، نشانه‌هایی از غفلت از کرامت واقعی انسان است. مکاتب و ایدئولوژی‌های مختلف مدعی ارزش نهادن بر انسان هستند؛ اما تنها اسلام است که به بهترین وجه قادر به تکریم اوست. تحقق این اهداف در جامعه و حفظ و ارزش حقوق انسانی و عزت نفس وابسته به عملکرد نظام‌های آموزشی است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اصل کرامت یکی از مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی با تأکید بسیار به کار رفته است. این اصل از ارزش‌هایی مهم در رسالت پیامبر به‌عنوان یک مربی کامل است. این حریم به حدی ارزشمند است که امر خداوند بر تعظیم مقابل آن صورت گرفت و کسی که از تعظیم و حفظ آن خودداری ورزید، مورد خشم و غضب الهی قرار گرفته و از درگاه الهی رانده می‌شود.

در جامعه نیز باید انسان با همین نگاه اکرام و احترام شود. هرگاه کسی به این شایستگی منحصر به فرد بی‌حرمتی کند و کرامت نفس را حفظ نکند و بر آن خدشه وارد سازد، راه را برای بسیاری از چالش‌ها در جامعه هموار می‌کند. این بیش، یک رویکرد تربیتی است که با آن فرد یاد می‌گیرد که به‌دور از هرگونه دسته‌بندی، خود را ملاکی برای گزینش نوع رفتار و تعامل با دیگران قرار دهد،

عُجب و خودپسندی را رفع و با قناعت خفت و آلودگی را دور کند. کرامت نفس حافظ بسیاری از ارزش‌های الهی در زندگی انسانی است و توجه و پاسداری از حریم آن، مقابله با عواملی مانند جهل‌زدگی، انحراف از فطرت انسانی، غفلت، فسادزدگی و بی‌توجهی به نقض قانون شخصیت انسانی و پذیرش ذلت‌پذیری در برابر دشمنان، از خود بیگانگی و پذیرش باورهای غلط است که هر کدام می‌تواند در سقوط زندگی فردی و اجتماعی و در مخاطره قراردادن کیان فرهنگی جامعه نقش موثری داشته باشد.

یکی از اهداف و اصول منتج از مبانی اسلامی در رابطه با کرامت نفس، این است که آموزهٔ احیا و تداوم کرامت نفس با منشأ الهی خدوند آغاز و در نبوت الهی تبلور می‌یابد؛ لذا بقای آن نیاز به استمرار و توجه خاص نظام تعلیم و تربیت را می‌طلبد. از سوی دیگر، تأکید آموزهٔ ائمهٔ اطهار مبنی بر این که انسان کریم حافظ شئون انسانی و نظام اجتماعی بوده و انسان لثیم، بزرگ‌ترین آسیب برای اجتماع است، بقای کرامت را به یک نیاز در تربیت اجتماعی تبدیل می‌کند. شناخت دقیق این ارزش و کشف نوع تعامل آن با عناصر تربیتی و تربیت انسان کریم‌النفس، نیازمند یک نظام منسجم تربیتی است که تحت عنوان تربیت کریمانه در این پژوهش معرفی و اهداف و اصول آن در شکل (۱) به اجمال ترسیم شده است.

تربیت کریمانه مبتنی بر انسان‌شناسی دینی بوده و از نظر فردی و بُعد روانشناسی با ایجاد فضای فکری مبتنی بر ضرورت احترام به خود<sup>۱</sup> یا عزت نفس و به‌عنوان یک نیاز اجتماعی با رشد و ارتقای آن در جامعه تأثیرگذار است. هم‌چنین در ایجاد بینش اخلاقی و اعتقادی که از دغدغه‌های نظام آموزشی است، مثرثمر بوده و یک نظام خودکنترلی و انضباط درونی را در زندگی فردی و اجتماعی حاکم می‌نماید.

بنابراین در جامعه عزتمند و در مسیر تکامل، سیستم رسمی نظام تعلیم و تربیت باید در تربیت انسان‌های کریم بکوشد و حتی دست‌اندرکاران سیاسی جامعه نیز باید توجه متولیان نظام تربیتی را به این امر به‌عنوان خواسته اجتماعی مبذول نمایند؛ زیرا روشن است که تنها مدیران، رهبران، والدین، مربیان و معلمان کریم‌النفس می‌توانند عزت‌مداری را در جامعه توسعه دهند و به کرامت دعوت نمایند. هم‌چنین سبب رشد نظام اجتماعی خاصی گردند که در آن تربیت شهروندی بر محور حفظ حقوق دیگران و احترام به همدیگر بوده و به سوی تکامل فردی و جمعی حرکت نماید.

در کاربرد این نظام توجه به این نکات پیشنهاد می‌گردد:

- انتخاب اهداف مدرسه باید براساس و متناسب با کرامت انسان انتخاب شود؛ به‌طوری که زمینه رشد و کمال انسان را فراهم آورده و در همه مراحل شأن او را حفظ نماید.

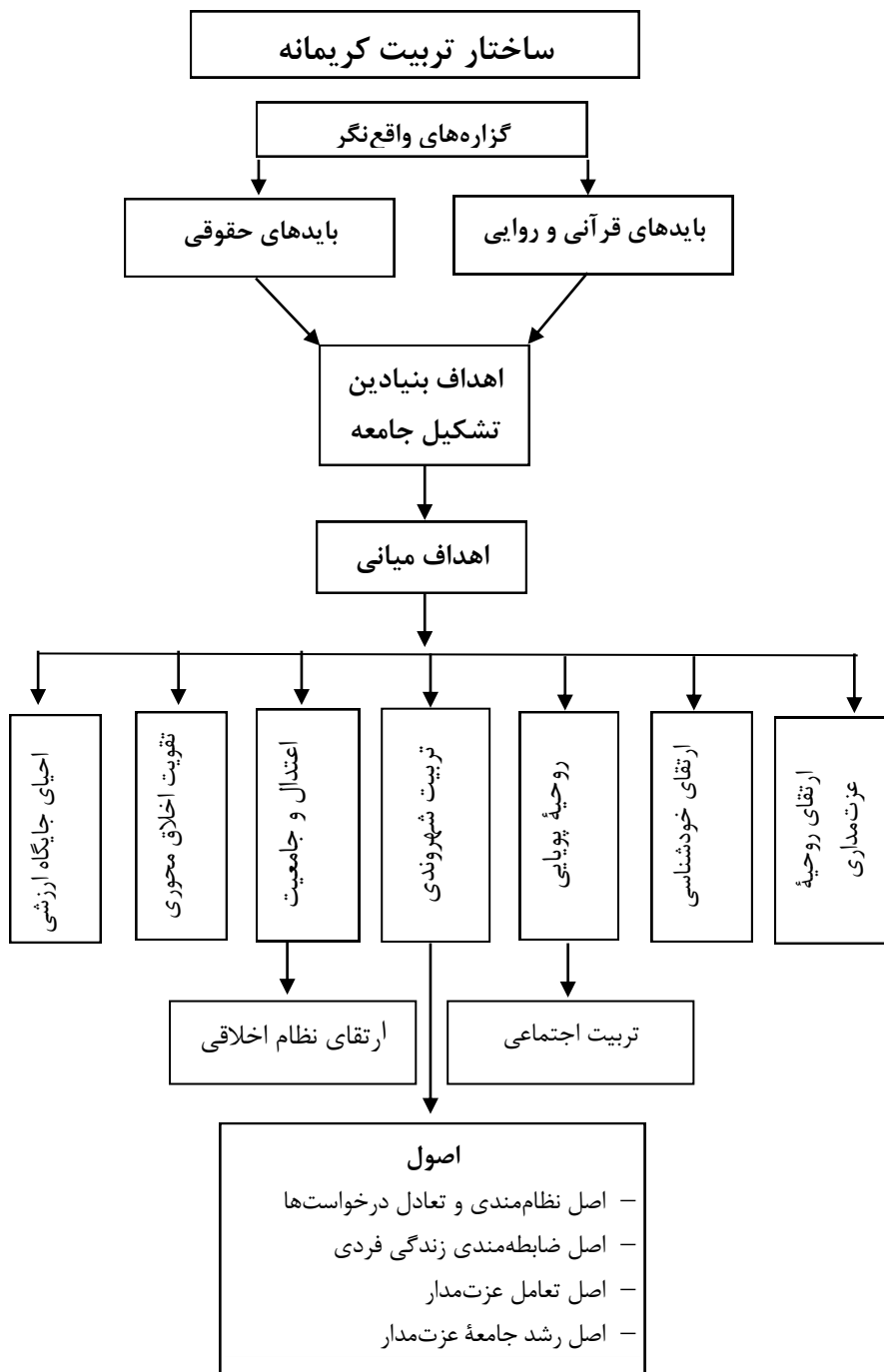
<sup>1</sup>-self-esteem.

- رفتار متولیان امر تعلیم و تربیت باید متناسب با ارزش و کرامت انسانی بوده و تکریم‌آمیز باشد و با رفتار خود به متری بیاموزد که او ارزشمندترین قدر و منزلت و ارزش وجودی را دارد.

- ایجاد فضای الهام‌بخش و دلگرم‌کننده انسان را از آلوده شدن به گناه و لثامت نفس دور می‌کند؛ لذا فضای آموزشی محبت‌آمیز و بدون تبعیض می‌تواند دانش‌آموز را از دست زدن به امور غیراخلاقی به منظور برخورداری از شرایط خاص برحذر دارد. ایجاد شرایط روحی و فضای مناسب به ارتقای مهارت‌های اجتماعی فرد کمک می‌کند.

- نظام مبتنی بر کرامت باید دانش‌آموزان را در برنامه‌های مختلف آموزشی به خصوص در بحث ارزشیابی و امتحانات با مفهوم خودکنترلی آشنا کرده و از دیگرکنترلی جلوگیری شود؛ زیرا تعلیم و تربیت به دنبال آن است که درون افراد محافظ و مراقبی به نام تقوا ایجاد کند و انسان به وسیله آن کنترل گردد.

- در حیطه مواد درسی و محتوای آموزشی نیز باید مهارت‌های لازم یک زندگی اجتماعی عزتمند و ارزش‌های تقویت‌کننده عزت نفس و روش‌های آزادمنشانه در زندگی لحاظ گردد.



شکل (۲)



## منابع

۱. آمدی، عبدالوهاب، ۱۳۳۵-۱۳۳۷، *غرر الکلم و درر الکلم*، تهران: انصاریان.
۲. ابن منظور، محمد ابن مکرم، ۱۳۶۳، *لسان العرب*، ج ۱۲، لادب الحوزه.
۳. احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۹۰، *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲، بیروت: دارصادر.
۴. ابن ابی الحدید، ۱۹۶۷، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۳، *بحار الانوار*، قم: بوستان کتاب.
۶. برازش، علیرضا، ۱۳۷۶، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۱، تهران: انصاریان.
۷. رشاد، علی اکبر، ۱۳۸۰، *دانشنامه امام علی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد، ۱۴۱۲، *المفردات الفاظ القرآن*، بی تا: دارالشامیه.
۹. رجبی، محمود، ۱۳۸۵، *انسان شناسی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۰. طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۸۴، «آسیب شناسی شخصیت و کرامت انسان»، *مجله پژوهش دینی*، س ۱، ش ۳.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۶۳، *المیزان فی تفسیر القرآن (فارسی)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. فیض الاسلام، علینقی، ۱۳۲۶، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، بی تا: فیض الاسلام.

۱۳. کارگزار (یعقوبی)، ابوالقاسم، ۱۳۸۷، خودی در اخلاق از نگاه شهید مطهری، در: تارنمای تبیان.
۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.
۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۶، فلسفه اخلاق، تهران: صدرا.
۱۶. محمدی‌ری‌شهری، محمد، ۱۳۶۳، میزان الحکمه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.